

تبیین سه رویکرد به رنگ‌ها از منظر حضرت علی (ع) در نهج البلاغه

فاطمه عسگری*

اصغر فهیمی فر**

چکیده

نهج البلاغه دربردارنده نکات ارزشمندی از وصف زیباییهای عالم از جمله رنگها و معانی آنها است. مسئله این تحقیق واکاوی فرازهای نهج البلاغه و رویکردهای مختلف درباره رنگ است. این تحقیق با هدف تبیین رنگها و معانی آن، پرسشها را اینگونه مطرح می‌کند: حضرت علی (ع) در نهج البلاغه با چه رویکردها، دیدگاه‌ها و نیز ویژگیهای تجسمی و هنری به رنگ نگریسته و آن را بیان می‌کند؟ رنگها دارای چه معانی و نشانه‌هایی هستند؟ نتایج حاصله از این تحقیق که به روش توصیفی تحلیلی انجام شده است نشان می‌دهد، رنگها در نهج البلاغه با سه رویکرد و دیدگاه از منظر حضرت علی (ع) بیان شده اند. رویکرد اول بر وجه نمادین رنگها، دوم به طبیعتگرایی و تأثیرات روانی رنگ بر روی بشر و نیز ارجاعات رنگ در طبیعت حیوانات، انسانها و گیاهان حتی آسمان و زمین و نیز دیدگاه سوم بر وجه زیبایی شناسی و تجسمی رنگ اشاره دارد.

کلیدواژه‌ها: نهج البلاغه - هنرهای تجسمی - نمادهای رنگ - هارمونی رنگها - درخشندگی

* دانشجوی دکتری رشته هنر اسلامی، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس تهران (نویسنده مسئول)،

f.g.asgari@chmail.ir

** دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، fahimifar@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۲

۱. مقدمه

رنگ، جهان پیرامون ما را در بر گرفته است و دامنه وسیعی از معانی را شامل می‌شود. همواره انسان در برابر رنگ واکنشهای خودآگاه و ناخودآگاه دارد و احساسات را نیز تحریک می‌کند. همواره شناخت ما از رنگها همان طور است که آنها را درک می‌کنیم در این حالت آنها را با طول موجهای متفاوت در مغز خود دریافت کرده و رنگهایی متفاوت را در دیده خود تجسم می‌کنیم. رنگها در معانی خود با فرهنگ و عقاید جوامع گره خورده‌اند و ترجمان ملتها و منش فکری را بازگو می‌کنند.

در قرآن و نهج البلاغه، واژه رنگ با عنوان صبیغ (مجرد کلمه رنگ) و صبغه شیوه کارکردی رنگ همراه است (صَبْغَةُ...). از لون نیز یاد می‌شود و الوان تكثر رنگها در عالم را بازگو می‌کند. رنگ در کلام قرآن، مفاهیم غیر مادی دارد. معانی مختلفی از آن برداشت می‌شود. در سوره روم، آیه ۲، اختلاف رنگ‌های بشر بیان شده است همچنین در سوره فاطر، آیه ۲۸ و ۲۷ در اثر نزول باران، میوه‌هایی رنگارنگ پدید می‌آید و نیز در کوه، رگه‌ها و خطوط سفید و سرخ و سیاه و رنگارنگ، وجود دارد. این آیه، رنگارنگی طبیعت را جزئی از زیبایی‌های هستی، شگفتی خلقت و نمودهای حق را در کثرت رنگها می‌شمارد. از میان اندیشمندان مسلمان، سهروردی از جمله افرادی است که در این زمینه تلاشهای بسیاری را به ثمر رساند.

بازگویی رنگ و زیبایی‌های آن در گفتارهای نهج البلاغه که سرشار از گفته‌های فصیح و بلیغ امیر المؤمنین علی(ع) است، منبع اصلی پژوهش حاضر می‌باشد. در فرازهای متعددی از این کتاب، مباحث زیبایی پیرامون رنگ مطرح شده است. رنگها در این مجموعه، هر یک در عین تکثیر و هماهنگی، اشاره به وحدانیتی جاوید دارند و تصویری از عالم محسوس را که صورتگری وجود حق است به تصویر می‌کشند.

۱.۱ بیان مسئله

آنچه به عنوان هنر نهج البلاغه در برخی از کتابها و پژوهشها سخن به میان آمده پیرامون فصاحت و بلاغت ادبی و زیبایی کلام، زبان و معنای نهج البلاغه می‌باشد. از زیبایی سخن که عاری از نقص و عیب و کاستی است تا ویژگیهای کلامی آن، اما آنچه توجهی بدان نشده است ابعاد زیبایی‌شناسی تجسمی و بعد تحلیلی نهج البلاغه با دیدگاه هنری است. با

توجه به رویکرد حاضر، مسئله تحقیق پیش رو بررسی فرازهای نهج البلاغه و واکاوی رویکردهای مختلف ایشان درباره رنگ و نیز نگاه تجسمی، آفرینش هنری و زیبایی‌شناسانه ایشان است. رنگ و نور از کلام ایشان جلوه‌ای از وجود حق را به زیبایی بیان می‌کند. در این میان دو پرسش مطرح می‌شود بدین گونه که حضرت علی (ع) در نهج البلاغه با چه رویکردها، دیدگاه‌ها و نیز ویژگیهای تجسمی و هنری به رنگ نگرسته و آن را بیان می‌کند؟ رنگها دارای چه معانی و نشانه‌هایی در وادی وحدت وجود هستند؟ هدف پژوهش واکاوی رنگ در نهج البلاغه و بیان مشخصات آن، تبیین معانی رنگها بر روی خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمتها و سخنان دشوار(غرائب) نهج البلاغه است. بدین گونه تحقیق حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و از نوع توسعه‌ای و به شیوه کتابخانه‌ای(اسنادی) انجام شده است تا به تحلیل فرازهای مختلف این کتاب گهربار بپردازد.

۲.۱ پیشینه پژوهش

پژوهش درباره جنبه‌های هنری نهج البلاغه در پژوهشهای مختلف صورت گرفته است که با تکیه بر جنبه‌های مختلف ادبی، عرفانی و یا سایر حوزه‌های علوم انسانی است، از جمله پایان‌نامه‌ای با عنوان (جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در نهج البلاغه) از مریم حاجی قاضی استرآبادی به راهنمایی استاد محمد مهدی جعفری از دانشگاه علوم و حدیث در مقطع کارشناسی ارشد در سال ۱۳۸۸ش ثبت شده است که بیشتر درباره نکات اخلاقی و تصویرآفرینی در جنبه‌های کلی مباحث را مطرح کرده از جمله درباره حیوانات، ابزار و وسایل زندگی و جنگ، مکان‌ها، پوشیدنی‌ها، نوشیدنی‌ها و حالات مختلف انسان و... موارد دیگری هستند که بر قامت الفاظ و کلمات حضرت علی (ع) جامه‌ای زیبا از جنس محسوسات پوشانده. مقاله‌ای نیز با عنوان (هنر تصویرآفرینی در نهج البلاغه) از حمید محمد قاسمی در مجله تحقیقات علوم حدیث، دوره دوم شماره یک به سال ۱۳۸۶ش به چاپ رسیده است و به این مورد می‌پردازد که تصویرپردازی معانی، کلمات، استعاره و تمثیل برای تجسم حقایق و حالات روحی همچین کوه، باد و یا خورشید با چه تشبیهاتی بیان شدند. تحقیقات و مطالعات، پیرامون نهج البلاغه، تا کنون درباره مباحث فقهی، علمی، حکمی، عرفانی، فلسفی، ادبی بوده است و در مواردی هم که از هنر و تصویرپردازی یاد شده، بیشتر درباره صنایع، تمثیل و تشبیهات ادبی است اما در میان پژوهشهای ثبت شده،

تحقیقی با رویکرد هنری به خصوص درباره مبحث رنگ از منظر تجسمی، مطرح نشده است.

۳.۱ ضرورت و اهمیت پژوهش

نهج البلاغه حاوی کلام گهربار و زیبای امام علی (ع) است که هیچ گاه از جلوه و فروغ آن در گذر زمان کاسته نمی‌شود. این مجموعه حاوی چندین ویژگی مهم و اساسی است از جمله، زیبایی همه جانبه آن یعنی فصاحت و بلاغت، شیوایی و ترکیبات زیبای ادبی، اما جنبه‌های هنری و نگاه زیباشناسانه امام علی (ع) به عالم و تجسم طبیعت از جمله وجود رنگها در طبیعت همراه با معانی بیشمار آن، رویکردی است که در جای جای نهج البلاغه بیان شده است. ضرورت این تحقیق بدین سبب است که فرازهای مختلف این کتاب ارزشمند را با رویکرد زیبایی‌شناسی و بصری که سایر پژوهشها به آن اشاره‌ای نداشتند توجه و کنکاش کند. نگاه به سخنان ارزنده امام علی (ع) پیرامون رنگ و مباحث آن می‌تواند آموزنده و راهگشای زندگی بشریت در کنار آموزه‌های دیگر این کتاب ماندگار باشد. بدین سبب این تحقیق ما را بر آن می‌دارد تا با جنبه‌های دیگری از تفکر و سخنان حضرت علی (ع) آشنا شویم و این انسان بزرگ را از زوایای دیگری نیز بشناسیم.

۲. بحث

۱.۲ هنر در نهج البلاغه

آنچه به عنوان هنرهای تجسمی و یا به طور کلی، هنر تعریف می‌شود، به عنوان صنعت در میان مردم رواج داشته است. واژه «صنع» در برخی از گفتارهای نهج البلاغه اشاره به آفرینش و ساخته هستی جهان دارد که به وجود لطف الهی میسر می‌شود. در این میان، امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه به اهالی صنایع توجه ویژه‌ای دارد و وظایف آنها در جامعه را بازگو می‌کند. ایشان، حضور هنرمندان در جامعه را بسیار مهم دانستند و گروه‌های مختلف اجتماعی را وابسته به دستان این افراد بر شمردند. در نامه ۵۳ خطاب به مالک اشتر از واژه (أهلُ الصناعات) استفاده شده است. در این نامه آمده است که اکثر گروه‌ها و اقشار وابسته به تلاش و هنر دست پیشه‌وران هستند زیرا که آسایش زندگی مردم به آنان وابسته است و از همه مهمتر، هنرمند آثاری را خلق می‌کند که از توان دیگران خارج است. در

تبیین سه رویکرد به رنگ‌ها از منظر حضرت علی (ع) در نهج البلاغه ۵

اینجا به خلاقیت، نوآوری و مهارت اشاره می‌شود که در وجود هنرمند نهفته است. ارزشگذاری به هنر و زیبایی در جایی دیگر، حکمت ۳۱۵ نیز به چشم می‌خورد ایشان از ویژگی‌های قلم، قواعد خوشنویسی و نیز صفحه آرایی نوشتار دستوراتی را سفارش کردند^۲. در نهج البلاغه از جلوه‌های دیگری همچون رنگها و شگفتی آفرینش آنها که ارتباط تنگاتنگی با عالم هنر دارد سخنان ارزنده‌ای بیان شده است.

۲.۲ رنگ

دنیا از رنگ‌ها پوشیده شده که مملو از جلوه‌های بصری است. دانش رنگ زمینه‌های مختلفی را از جمله فیزیک، شیمی، فیزیولوژیک، روانشناسی، معنانشناسی و ابعاد تجسمی را شامل می‌شود. فیزیولوژی فرآیندهایی را در چشم و مغز به هنگام تحریک ناشی از رنگ رخ می‌دهد را مطالعه می‌کند و روانشناسی به آگاهی و نسبت آن با رنگ اشاره دارد. مطالعه هنری و تجسمی رنگ و نیز نگاهی به معانی هر یک در زمینه مورد نظر، رویکردی است که در این تحقیق جای دارد و نگاه وجودی آن در سیطره وحدانیت آفرینش مورد مطالعه قرار می‌گیرد پس بدین گونه کنکاش تجسمی، مطالعه‌ای است تا درک زیباشناسانه‌ای را از فرازهای نهج البلاغه برای ما روشن کند.

هر رنگ دارای سه صفت بصری است. فام Hue، درخشندگی Brightness و اشباع Intensity رنگی. فام نام هر رنگ، درخشندگی، درجه تیرگی روشنی ذاتی رنگ (رنگسایه) است مانند آنکه زرد بیشترین درخشندگی را دارد و اشباع یا پر مایگی، میزان خلوص هر رنگ را مشخص می‌کند. تأثیر متقابل رنگها و درک تجسمی ناشی از ملاحظیات روانشناسی رنگها است که در کاربرد هنری اهمیت دارد (پاکباز ۱۳۸۱: ۲۶۴).

سازماندهی یا ترکیب‌بندی و هارمونی رنگها در یک مجموعه رنگی در عین تنوع، نوعی وحدت بصری را انتقال می‌دهد. گاهی ترکیب رنگها از سیاه و سفید (بیفام) Achromatic color و یا از رنگسایه‌ها که در درجات تیرگی و روشنایی رنگ با ارزشهای مختلف رنگی، ترکیب یافته اند می‌باشد. همچنین رنگها با تأثیرات مکمل و متضاد خود در مجموعه رنگی، گیرایی و کنش بصری ویژه‌ای پیدا می‌کند. نگاه تجسمی به رنگها در گفتارهای متعددی از فرازهای نهج البلاغه دیده می‌شود و ما را بر دانش زیبایی شناسانه امام علی (ع) واقف می‌کند.

۱.۲.۲ رنگ در نهج البلاغه

لغت رنگ و رنگها با واژه‌های الوان و صبغه و نیز مشتقات عربی آن در نهج البلاغه^۳ ۲۰ مرتبه آمده و هر یک دارای معانی معرفتی عمیقی است «معرفتش داد تا بین حق و باطل تمیز دهد و مزه‌ها و بوها، رنگها و جنسهای گوناگون را از هم بازشناسد، در حالی که این موجود معجونی بود از طینت رنگهای مختلف» (خطبه/۱). از اعطای قدرت تشخیص رنگها (درک بصری) توسط خدا به انسان و تنوع رنگها در آفرینش آن سخن می‌گوید، نعمتی که از کثرت آفرینش و تنوع مزاجها برمی‌آید و خلقت بشر را شکل می‌دهد. پیرامون رنگها در خطبه ۱۶۴ با نگاه زیبایی‌شناسانه آن مواجه هستیم. مشاهده رنگهای باطنی و ناپیدا و هر آنچه برای انسان قابل رؤیت نیست تنها از سوی خدای آگاه میسر است و این زیبایی آفرینش در رنگها به زیبایی در خطبه ۱۶۴ آمده است که در آن به ستودن آفرینش رنگهای متنوع پرندگان، از جمله طاووس می‌پردازد. درخشندگی رنگها و انواع آن در آفرینش، رنگهای خالص، تیرگی و روشنایی همچنین تونالیت‌های Tonality color رنگی در پره‌های طاووس وصف شده است. ظهور زیباییهای هستی در جریان تجلی رخ می‌دهد و این ظهور در جلوه رنگها متجلی گشته است. در دنیای معنای یکی از جنبه‌های تنوع و تکثر رنگها در عالم، نگاه به کثرت در عین وحدت در طبیعت است.

یکی از مباحث ارزشمندی که در این کتاب آمده، وحدت وجود است که بسیار مرتبط به موضوعات پیش رو می‌باشد زیرا وجود و ماهیت متحدند و از طریق آن اشکال را شکل می‌دهند. مولاعلی (ع) در نهج البلاغه حیات همه اشیاء و نور کل آنها را در وجود حق می‌بیند. «همان که حادث بودن مخلوقاتش دلیل بر ازلی بودن او و به وجود آمدن موجودات برهان وجود اوست و شبیه بودن مخلوقات به یکدیگر گواه بر این که او را شبیهی نیست» (خطبه/۲۲۷). در خطبه ۱۵۲ و ۹۰ نیز بر این بحث تأکید شده است. امام علی (ع) در خطبه‌های متضاد و رنگهای متباین سخن می‌گویند که همگی این اضداد در هماهنگی کامل، آفرینش یافته‌اند و گواه بر وجود محض او هستند.

تبیین سه رویکرد به رنگ‌ها از منظر حضرت علی (ع) در نهج البلاغه ۷

۳.۲ تبیین سه رویکرد به رنگها از منظر حضرت علی (ع) در نهج البلاغه

۱.۳.۲ رویکرد نمادین Symbolic

نماد «در معنای عام، بازنمایی صفتی یا وضعیتی با وساطت یک نشانه است. تأویل بصری از یک موضوع انتزاعی» (پاکباز، ۱۳۸۱: ۶۰۴) در مباحث مربوط به هنر اسلامی، نمادشناسی جایگاه ویژه‌ای دارد.

برای درک تفکر الهی، زبانی به نام تمثیل پدید آمده است. در حقیقت همان طور که در جهان بینی الهی از غیب و شهادتی برخوردار است در همه چیز حتی در امور قراردادی و قوانین نیز همه چیز ظاهر و باطنی دارد. مبنای آن به حوزه هستی‌شناسی و فلسفی تفکر اسلامی باز می‌گردد (علی تاجدینی، ۱۳۹۴: ۶).

«نماد پلی است که با برقرار کردن ارتباط دو جهان وجود و معنا، انسان را به معنای معنوی و اصل عالم هستی هدایت و رهبری می‌کند» (نقی زاده، ۱۳۸۷: ۲۴۷). از طریق نماد عالم معقول تبدیل به محسوس می‌شود و توانایی دارد پیامی را در ورای خود بنمایاند همانطور که قرآن از نشانه‌ها و سمبلها حتی به زیان تصویر و داستان برای بیان مفاهیم استفاده می‌کند، نهج البلاغه نیز مملو از نمادپردازی است. پرداخت نمادهای رنگی از راه تشبیه و استعاره در بسیاری از فرازهای نهج البلاغه دیده می‌شود. در واقع امام علی (ع) به واسطه درک بهتر مفاهیم انتزاعی، زیبایی و تأثیرگذاری سخن، هر چه بیشتر از نمادپردازی رنگ استفاده کرده است. بیشترین اشارات رنگی در نهج البلاغه مربوط به نمادپردازیها است.

۱.۱.۳.۲ نمادپردازی رنگارنگی

در خطبه ۹۱ و ۱۷۱ اشاره به وجه منفی رنگارنگی شده است. نهج البلاغه عدم وحدت در دین و یا حوادث گوناگون و فتنه‌ها را همچون رنگهای متغیر می‌داند که قابل پیش‌بینی نیست و منشأ آن دل‌های متزلزل است و لغزشهایی که رنگ به رنگ شده است. تفرقه در خطبه ۱۷۵ به صورت رنگ به رنگ شدن تشبیه شده و اشاره به نظرات مختلف از جانب دوری از کلام وحی دارد. «از تلون و رنگ به رنگ شدن در دین خدا پرهیزید، زیرا اتفاق در آنچه که از حق میل ندارید از تفرقه در آنچه از باطل دوست دارید بهتر است» (خطبه/۱۷۵). امام علی (ع) در خطبه ۱۸۵ از رنگارنگی به عنوان نمادی از فریبندگی

یاد می‌کنند و در جای دیگر در (خطبه/۱۴۴) از اخلاق بشر که بابت گناه رنگ گرفته است و منکر خدا می‌شوند، یاد می‌شود اما در خطبه ۱۶۴ وجه دیگر رنگارنگی مطرح می‌شود. آنجا که این الوان نشانه و نمادی است از صنع و زیبایی و جمال خداوند، همچون شکوفه‌ها و پارچه‌های رنگارنگ تشبیه شده است. تکراری که اشاره به وجودی واحد دارد. در بخشی از این خطبه آمده است:

اگر رنگ‌های پر طاووس را به رویبندی‌های زمین تشبیه کنی، خواهی گفت: دسته گلی است که از شکوفه‌های رنگارنگ گل‌های بهاری فراهم آمده است و اگر آن را با پارچه‌های پوشیدنی همانند سازی، پس چون پارچه‌های زیبای پر نقش و نگار یا پرده‌های رنگارنگ یمن است (خطبه/۱۶۴)

وجود رنگهای گوناگون در مناظر طبیعی، پرندگان و سایر موجودات که در نهج البلاغه ذکر شده است همه متکثر شده از یک واقعیت است. از این نحو، تشکیک وجود در عین وحدت است. در تمثیل دیگری از وحدت وجود، «وجود را مانند نور است و ممکنات مانند شیشه‌های رنگارنگ، چون نور از شیشه‌های مختلف رنگارنگ متجلی شود با آنکه حقیقت نور واحد است بیننده نوری را که از شیشه‌های رنگارنگ می‌تابد متفاوت و به رنگهای متعدد می‌بیند» (امین، ۱۳۷۶: ۳۳)

۲.۱.۳.۲ نمادپردازی سبز

این رنگ در جایگاهی میان رنگ آبی و زرد قرار گرفته است. در دانش و بعد روحی رنگها، ایتن در کتاب رنگ می‌گوید: «سبز، رنگ دنیای سبزیجات است. نشان از ارضاء، آرامش و امیدواری است. آمیزشی از دانش و امیدواری و جوانی است» (ایتن، ۱۳۶۷: ۲۱۹) اما این رنگ در حوزه اسلامی، همواره مورد توجه عرفا و اندیشمندان بوده است. علاء-الدوله سمنانی از رنگ سبز به عنوان لطیفه حقیقه در وجود انسان نورانی سخن می‌گوید که تصویری از ذات الهی است و از دیدگاه نجم‌الدین کبری «رنگ سبز حیات قلب است» (بلخاری، ۱۳۸۸: ۳۶۷) اما بسیار پیش تر از این دانشمندان، حضرت علی (ع) درباره این رنگ سخنان ارزنده داشتند در نهج البلاغه درباره این رنگ، نسبت به سایر رنگها بیشتر اشاره شده است. رنگ سبز و تأثیرات آن ۸ مرتبه در نهج البلاغه آمده است. مانند آنکه در خطبه ۵۵، درخت سبز، نماد ایمان بیان شده که همیشه شاداب و سرزنده است و الهام بخش

تبیین سه رویکرد به رنگ‌ها از منظر حضرت علی (ع) در نهج البلاغه ۹

هستی می‌باشد همچنین امام علی(ع) در خطبه ۲۳۴ از رنگ سبز در زمرد و سرزمینهای سبز یاد می‌کنند که نشانه آسایش، خرمی، حیات و زندگی است.

۳.۱.۳.۲ نمادپردازی سفید

رنگ سفید ۷ مرتبه در نهج البلاغه آمده است «سفید زمانی ظاهر می‌شود که ظلمت نفس نماند و چون نور روح با صفای دل امتزاج گیرد نوری سبز پدید آید» (بلخاری، ۱۳۸۸: ۳۶۹). به طور کلی رنگ سفید تداعی پاکی و روشنایی است. جایی که تاریکی نیست و راه روشن هویداست و این راه روشن در نهج البلاغه به زیبایی وصف شده است. در خطبه ۱۸۹ رنگ سفید را سمبل اسلام، پیامبر و پایداری اسلام معرفی می‌کند و این دو را همچون رنگی بیان می‌کند که به سیاهی نرود و خللی در آن راه نیابد. در اینجا رنگ سفید را به نشانه پاکی و عاری از هیچ تیرگی و کاستی معرفی میکنند که قوانینش کهنه و فرسوده نشود. یکی از ویژگیهای نور سفید آن است که از ترکیب نورهای رنگی دیگر ایجاد میشود و این وحدت در کثرت در اسلام بارز است زیرا که به خوبی به ویژگیهای ترکیبی رنگ سفید همانند است.^۸

در سخنان دشوار ۵، ایمان را به نقطه سفیدی «لْمُظَّة» تجسم کرده است و هر چه ایمان زیادتر شود سفیدی نیز وسعت می‌یابد زیرا که سفید، کوچکترین تداخلی رنگی را نمایان میکند. بی‌آلایشی، عدم کاستی و نیز وحدت تکثرها و اجماع رنگها در سفید نمایان است که با ایمان افزون میشود و روح را شفاف و پاک میسازد. در خطبه ۹۱ خلقت فرشتگان بازگو می‌شود که همچون رنگ سفید پرچمهای سیال در فضا به نرمی در هوا حرکت می‌کنند. در اینجا امام علی(ع) برای توصیف موجودات فراواقع از نمادها و تعبیر تجسمی استفاده می‌کند که به لحاظ جسمی، این رنگ را سبک تعبیر میکند که با تشبیه، حرکتی نرم دارند و نوازشگر وجود انسان، تعبیر شده است.^۹

۴.۱.۳.۲ نمادپردازی رنگ سیاه

در خطبه ۲۱۵، رنگ تیره همچون تمثیلی از فقر آمده است. رنگ سیاه از نبود نور حاصل می‌شود و نبود نور، انسان را به گمراهی می‌کشاند. هانری کربن از نور سیاه «در پایه نور مکاشفه، نور ذات خداوندی که سبب می‌شود آدمی بتواند ببیند» (کربن، ۱۳۸۷، ۱۵۱) سخن می‌گوید و این تعبیر با آنچه از رنگ سیاه به تعداد ۵ مرتبه در نهج البلاغه ذکر شده، متفاوت است. در خطبه ۱۸۱، امام علی (ع) چادر سیاه را در وصف شب آورده است که

این سیاهی مانع نورافشانی ستارگان نمی‌شود و در خطبه ۱۸۹، سیاهی را نماد کاستی و خلل معرفی میکند که در سپیدی اسلام راه ندارد. در اینجا سپیدی و سیاهی در تضاد یکدیگر همچون نماد خیر و شر قرار گرفته است. در خطبه ۲۲۸ نیز سیاهی همچون ظلمت ذکر شده است.

۵.۱.۳.۲ نمادپردازی رنگ قرمز

قرمز که رنگی پر حرارت و درخشان است در کنار رنگهای دیگر تجلی پر شوری پیدا می‌کند. در فرازهای نهج البلاغه نیز ۵ مرتبه از این رنگ یاد می‌شود. در تعبیر نمادپردازی این رنگ در خطبه ۱۰۱، نمادی از اهل عذاب الهی است و به افرادی که به مرگ سرخ گرفتار می‌شوند تعبیر شده است. در واقع، آتش دوزخ و سختی مرگ با این رنگ معنا پیدا کرده است. مرگ سرخ تعبیری است که نهج البلاغه قرمزی و حرارت گناهان اهل دوزخ را به آن تشبیه کرده است. در این خطبه مرگ سرخ و گرسنگی شدید در کنار هم قید شده است.^{۱۰} در جایی دیگر، سخنان دشوار ۹، رنگ سرخ، نمادی از سختی جنگ است که به تنور سرخ، معنای جوشش و حرارت نبرد تعبیر گشته است.

۶.۱.۳.۲ نمادپردازی رنگ زرد

به طور کلی ۳ مرتبه در فرازها آمده است و هر کدام معنی متفاوتی دارد. پیرامون نمادپردازی این رنگ، در خطبه ۸۱ شرایط اجتماعی زمان پیش از بعثت پیامبر(ص) را وصف می‌کند. از آتش جنگ تا فروکش شدن آب زندگی و شرایط نامساعد اجتماعی آن دوران سخن می‌گوید. در اینجا رنگ زرد، نمادی از ناامیدی و فتنه و شرایطی که با خود سستی می‌آورد است. ناامیدی از زیستن را به زرد تشبیه میکند که عدم حیات را تعبیر میکند همچون برگهای درختان در پاییز که رو به زردی می‌رود. یکی از معانی نمادین رنگ زرد، بیماری است آنگاه که درخت سبز زندگی، طراوت و شادابی خود را از دست داده اند.

۷.۱.۳.۲ نمادپردازی نور

نور رحمت خدا به عالم مخلوقات معنا و معنویت می‌دهد.^{۱۱} همانطور که ملاصدرا ذکر می‌کند

تبیین سه رویکرد به رنگ‌ها از منظر حضرت علی (ع) در نهج البلاغه ۱۱

پس وجود حق را ظهوری است به ذات خود در ذرات خودش و ظهوری به ذات خودش برای فعلش است که بدان آسمانها، ارواح و زمین را تابناک می‌کند و آن عبارت از تجلی وجودی او که به نام نور نامیده می‌شود (بلخاری، ۱۳۸۸: ۲۰۰).

نور که معادل روشنایی است در آیات قرآن بسیار آمده است. این نور همچون چراغ راهنما و ستاره‌ای درخشان در سیطره آفرینش قرار دارد که بی زمان و مکان تعیین دارد. همانند قرآن، در نهج البلاغه نیز به نور توجه ویژه‌ای شده است. کلمه «النور» و مشتقات آن ۳۴ مرتبه در نهج البلاغه ذکر شده است. «راه خدا روشن‌ترین راه و پرفروغ‌ترین چراغها است» (خطبه/۱۵۵). در خطبه‌های ۲، ۳۷، ۸۸، ۹۰، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۵۵، ۱۶۱ و ۲۳۲ اشاره به نور هدایت خدا شده است که همچون چراغ روشن، سمبلی برای هدایت بندگان و نجات دهنده واماندگان است، در اینجا نور، نمادی از روشنایی و حیات، عامل رستگاری در تقابل ظلمت است. در نامه ۵۲ از وجود نور حق در قلب یاد می‌شود که منت گذاشتن در انجام احسان و بزرگنمایی آن، این نور را در قلب از بین می‌برد.

در فرازهای دیگر، نور را به پیامبر تمثیل می‌کند و آن را نیز عامل هدایت بشر می‌داند. «همانا ای محمد تو دارای خلق و خوی عظیمی بر آن نوری هستی که به وسیله آن در ازل آشکار شده است» (خطبه/۹۰). در خطبه‌های ۱۶۰، ۲۰۴ و ۲۱۳ نیز نور را سمبل هدایت بندگان از طریق روشنائی وجود پیامبر ذکر می‌کند.

خطبه‌های دیگری مانند ۱۵۵، ۹۰، ۱۵۷، ۱۸۲ و ۱۸۹ قرآن را نور می‌دانند که عامل هدایت بشر می‌باشد. این نور آشکار، ریسمانی محکم و تصدیق‌کننده حقایق و کامل‌ترین روشنائی‌هاست که تاریکی با آن همراهی ندارد. در جای دیگر، نور نمادی از علم، دانش و حکمت تعبیر شده است همانند آنچه امام علی (ع) در توصیه به کارگزارش در بصره آورده - اند «معلومت باد که هر مأمومی را امامی است که به او اقتدا می‌کند، و از نور علمش بهره می‌گیرد» (نامه/۴۵). نور علم، روشنائی بخش همه به خصوص لازمه کارگزاران است. در جایی دیگر، حکمت ۱۴۷ از افراد حزب باد سخن می‌گوید که از نور دانش بی‌بهره‌اند. ارزشگذاری بر علم و دانش، نزد امام علی (ع) آنچنان ویژه و افضل است که همانند نور توصیف شده است و موجب رستگاری است «ای کمیل، دانش بهتر از ثروت است، دانش تو را می‌پاید و تو ثروت را می‌پایی» (حکمت/۱۴۷). در دو فراز دیگر، نامه ۳۱ و سخنان دشوار ۳۷۳، نور، سمبل یقین در دل مؤمنان و نیز روشنائی بخش وجود آنان تشبیه شده است.

۲.۳.۲ رویکرد طبیعت‌گرایی Naturalistic - خدامحور

طبیعت‌گرایی اشاره به قوانین و نیروهای طبیعی جهان دارد. این نوع نگرش که در اروپا طرفداران بیشتری دارد چیزی فراتر از جهان طبیعی نیست و به کشف و انتشار قوانین طبیعت می‌پردازد. این معنی نزد قدمای فلاسفه حتی پیش از سقراط طرفداران بسیاری داشت که رویدادهای طبیعی را بدون توسل به علل مافوق طبیعی می‌دانستند. طبیعت‌گرایی در حوزه‌های مختلف از ادبیات گرفته تا هنر و معرفت‌شناسی و نیز از ارسطو تا فیلسوفانی مانند سلرز Wilfrid Sellars و کوهن Hermann Cohen طرفدارانی داشت اما این نگاه در تقابل باور اکثر ادیان توحیدی که جهان را تحت تدبیر موجودی فراطبیعی در نظر دارند است. آنچه به ارتباط انسان با طبیعت در اسلام باز می‌گردد، نگاه به خالق هستی در ورای طبیعت آفریده شده است. اشاره به طبیعت، می‌تواند حقایق فراموش شده را یادآوری کند و باعث عبرت و تذکر شود. همانطور که در آیه ۱۶۴ سوره بقره، مظاهر طبیعی به عنوان منبع غنی برای تفکر و تدبیر پیرامون خداشناسی آمده است در نهج البلاغه نیز مظاهر طبیعی این نگاه را با خود همراه دارد.

اشباع شدن حس واقع‌گرایی و روشن بودن دیدگاه و جریان نظم در تطابق واقع و نمود آن است. ما به وسیله حواس و ذهن، سه نوع ارتباط با واقعیت داریم ۱- تماس سطحی، ۲- تماشای، ۳- نظر. ارتباط نظری، ارتباطی است که به دقت و تحقیق در عوامل به وجود آورنده موضوع مورد تماشای، شناخت و اقیتهای ترکیب‌کننده، وضع فعلی و جریانی آن باز می‌گردد (جعفری: ۱۳۸۵، ۲۲۶ و ۲۹۹)

بر خلاف نظریه‌های غربی که گزارشگر بدون تحلیل طبیعت است، بیان طبیعت‌گرایانه نهج البلاغه با نگاه به عمق علت و معلول و دیدگاه توحیدی شکل گرفته است.

۱.۲.۳.۲ رویکرد روانشناسی Psychology (تأثیرات رنگ بر طبیعت انسانی)

«رویکرد روانشناختی رنگ به احساسهای معینی نیز بستگی دارد که رنگهای عینی در بیننده برمی‌انگیزند» (پاکباز، ۱۳۸۱: ۲۶۵). تأثیری که از دیدن رنگ حاصل می‌شود، یک فرآیند فطری از خلقت است. تأثیراتی که رنگ بر روی مغز می‌گذارد، بر روی حالت‌های روحی نمایان می‌شود. «رنگ در ضمیر خودآگاه، نیمه خودآگاه و ناخودآگاه نیز اتفاق می‌افتد» (بختیاری فرد، ۱۳۸۸: ۱۱) و باعث تحریک عواطف می‌شود. همانطور که امام علی (ع) در حکمت ۴۰۰ اشاره می‌کند که «بوی خوش، عسل، سوارکاری و نظر به سبزه، غم و

اندوه را می‌زداید و کسالت را بهبودی می‌بخشد»، از تأثیر روانی رنگ سبز، سخن می‌گوید و آن را درمانگر کسالت و غم، معرفی می‌کند. در واقع، مغز اطلاعات دریافت شده از چشم را که از جهان مادی حاصل شده را ترجمه کرده و آن را تبدیل به ادراک بینایی و نیز حسی می‌کند و به صورت ناخودآگاه، گونه‌ای جهان مثالی درون ما شکل می‌دهد. بسیاری از تأثیرات روحی نتیجه فرآیند دیدن است. رنگ سبز یاخته‌های مخروطی شکل چشم را با تأثیرات بسیار کمتر از رنگ قرمز تحریک کرده و باعث آرامش می‌شود که نشأت گرفته از طبیعت، یاری‌دهنده ابعاد روحی انسانی و نیز تجمیع شده با ابعاد وجود بشر است و نزد امیرالمؤمنین (ع) نیز ارزشمند بوده و بر اثرات آن تأکید شده است زیرا که یادآوری این تأثیرات طبیعی بر روی بشر ما را به سوی آفرینشگری هدایت می‌کند که آفریننده رنگها و نیروهای درونی و برونی آنهاست. تداعی ذهنی رنگ یکی از ویژگیهایی است که در تصویرسازی بسیار کاربرد دارد. امام علی (ع) برای درک بهتر رنگها از تداعیهای ذهنی رنگ و آنچه در طبیعت از آن رنگ قابل تجسم است سخن می‌گوید.

۲.۲.۳.۲ ارجاع رنگ در طبیعت انسان و حیوان

۱. **طبیعت انسانها:** خطبه های ۹۰، ۱۰۸، ۱۲۰، ۲۱۵ اشاره به تغییرات روحی و سختیهای جسمی دارد که باعث تغییراتی در کالبد ظاهری انسانی می‌شود. در این خطبه‌ها از بعد طبیعی انسان در حالت مرگ و مرگ آگاهی سخن می‌گوید و شرایط فیزیکی این موقعیت در کالبد انسانی یاد می‌شود. در جایی دیگر در خطبه ۱۲۰ از رنگ زرد برای وصف حال پرهیزگاران بیدار شده در دل شب برای راز و نیاز با خدا یاد می‌کند که خستگی رخسار را در ظاهر دارند. در خطبه ۱۳۰ به عنوان فروغ چشم یاد می‌شود. در واقع چشم بدون عامل طبیعی نور قابل رؤیت نمی‌باشد.

۲. **طبیعت حیوانات:** نگاه به آفرینش زیبای موجودات از وجود جلال و جمال او نشأت گرفته است و این نشانه‌ها همانند دقت در آفرینش موجوداتی همچون شب پره در خطبه ۱۵۴ آمده است و با موشکافی آن اسرار دیدن و بهره بردن از نور و راهیابی در دل تاریکی شب این موجود را بازگو می‌کند. در خطبه ۱۶۴ از تنوع آفرینش رنگها در پرندگان ذکر می‌شود که نشانه‌ای از قدرت مصور خدای کریم است یا در فرازی دیر با نگاه طبیعت گرایانه، شگفتی آفرینش ملخ را وصف می‌کند در حالیکه بسیاری به زیبایی و خلقت این حیوان توجه نکردند اما امام علی (ع) شگفتی این موجود را به خصوص در دو چشم قرمز تابان، معرفی و یادآور می‌شود و این آفریده را از شگفتیهای خلقت برمی‌شمرند.

۳.۲.۳.۲ ارجاع رنگ در طبیعت گیاهی و آسمان و زمین

۱. **طبیعت گیاهی:** امام علی (ع) در رهنمودی دیگر (خطبه/۲۳۴) از باغها و سرزمین‌های و مزارع نیکو و سبز و خرم و طبیعت وسیع و پرآب صحبت می‌کند که اگر خدا می‌خواست می‌توانست خانه خود را در این مکان قرار دهد پس به تناسب آن اجر و ثوابش را برای بندگان برمی‌شمرد. در اینجا از سرزمینها و مزارع سبز که خرمی نشان آسایش طبیعی است یاد کرده است.

۲. **طبیعت آسمان و زمین:** در نهج البلاغه از آب سبز رنگ دریاها خبر می‌دهد که بر دوش زمین قرار گرفته و از قرارگیری آبها روی زمین با تعبیر (بر دوش زمین) تشبیه زیبایی شده است (خطبه/۲۰۲). در خطبه ۲۱۵ از خدا یاد می‌کند و سیاهی شبهای تار را که همراه با آرامش و سکوت است، آفرید. اوست که بر همه چیز آگاه و هوشیار است. آفرینش آسمان و زمین همراه با رنگهای متنوع است و خبر از سازنده ای حکیم می‌دهد. در جایی دیگر، (خطبه/۱۸۱) سیاهی شب را در تقابل نورافشانی ستارگان قرار می‌دهد.

۳.۳.۲ رویکرد زیبایی‌شناسی Color Aesthetic با دیدگاه تجسمی Visual Art

واژه زیبایی‌شناسی در اروپا در نیمه قرن ۱۸ میلادی توسط بومگارتن A. G. Baumgarten مطرح شد «برای وی زیبایی‌شناسی نخستین پله در شناخت جهان امور حسی است» (احمدی، ۱۳۸۴: ۲۰ و ۲۱) وی شناسایی ایده آل را که شناخت کمال است قائل به دستیابی نمی‌داند. از آن زمان بسیاری از اندیشمندان غربی در ارتباط با زیبایی نظریات مختلفی مطرح کردند از جمله آنکه زیبایی را همراستا با ذوق، لذت و یا جذب برشمردند^{۱۲}. در ادبیات دینی اسلام، جمال با زیبایی، یکی از صفات خداوند است که انسانها نیز به آن گرایش دارند. زیبایی خداوند «امری مضاف بر ذات او نیست بلکه فیضانی از اوست» (مهری، ۱۳۹۶: ۷۵) ابن سینا در رساله «فی العشق» زیبایی را در نظم، تقارن و ترکیب می‌داند و لذت ساده بدون فهم از محسوسات را در روح حیوانی می‌بیند اما روح منطقی در عشق به زیبایی همراه با تفکر و تأمل است که به عشق نخستین منتهی می‌شود. در میان پدیده‌ها، رنگ وابسته به دیدن است و از راه چشم و تجسم زیبایی بصری حاصل شده و گواه بر معانی تأمل برانگیز و مشاهده نظری می‌شود. در بسیاری از فرازهای نهج البلاغه از این نمودهای تجسمی و زیبا سخن به میان آمده که به شرح زیر است.

۱.۳.۳.۲ رویکرد تجسمی به فامهای رنگی:

فام صفتی از رنگ است که جایگاه آن از قرمز تا بنفش تعریف می‌شود. فامهای اولیه Primary Color یا اصلی از جمله رنگهایی است که در نهج البلاغه، تنها به دو نوع، زرد و قرمز اشاره شده و از رنگ آبی مثالی نیامده است. در بین فامهای ثانویه Secondary Color، فقط از رنگ سبز استفاده شده که کاربرد بیشتری نسبت به فامهای اولیه داشته است. وجه نگاه تجسمی به فامهای رنگی از جمله سبز در خطبه ۱۶۴ که به وصف طاووس می‌پردازد، بیشتر است. در این خطبه از چهار نوع سبز یاد می‌شود اول، سبز خالص «در جای تاج خود، کاکلی سبز و مزین به نقش دارد»، دوم سبز نیلی یمانی «محل برآمدن گردنش مانند لوله ابریق کشیده و بلند است. جای فرورفتگی گردن تا شکمش چون رنگ نیل یمنی سبز سیر است» در اینجا با واژه «كَصْبِغِ الْوَسْمَةِ الْيَمَانِيَّةِ» (وسم) به برگ گیاه نیل گویند که پارچه‌ها را با آن رنگ می‌کردند. این رنگ از قدیم در بین جوامع شایع بوده و بیشتر برای رنگ کردن پارچه های پنبه‌ای استفاده می‌شد. تا حدی شبیه به رنگ لاجورد است اما واژه یمانی برای پارچه های منسوب به یمن به کار می‌رود این پارچه‌ها در گذشته از نوع بسیار نفیس و گرانبهائی بودند که جلوه بصری زیبایی داشت. سومین رنگ، سیاه آمیخته به سبز است که براق و همچون رنگ فلز درخشندگی دارد و چهارمین رنگ مربوط به سبز زبرجدی است «خُضْرَةٌ زَبْرَجْدِيَّةٌ». زبرجد نام سنگی قیمتی و با ارزش است که جلوه سبز آن همانند رنگ زیتونی روشن همراه با سایه روشنهای رنگی است. جلوه بارز این سنگ در درخشندگی و گیرایی بصری آن است که در این خطبه به پره‌های طاووس اشاره دارد و از آفرینشی سخن می‌گوید که همچون آینه انعکاسی از ذات الهی است. در میان فرازها خطبه ۱۶۴ ظرافت خط گوش این پرنده همانند سر قلم وصف شده و به نوعی رنگ سفید که در گل بابونه دیده می‌شود وصف می‌شود این تشبیهات، زیبایی تجسم رنگ سفید را که ناشی از تجربه محیط طبیعی انسان است برای خواننده بیشتر می‌کند و متن را با لطافت بیشتری برای خواننده تجسم می‌کند.

۲.۳.۳.۲ درخشندگی و شدت رنگها

درخشندگی یا تالو رنگها یکی دیگر از ویژگیهای بصری رنگی است که تیرگی و روشنی ذاتی هر رنگ را نشان می‌دهد یا به صورت شدت رنگ، در ارتباط با رنگ مجاور خود بارز می‌شود. امام علی (ع) در برخی از خطبه‌ها به زیبایی از این ویژگی رنگها در

طبیعت صحبت می‌کنند و بر درخشندگی و حتی خلوص رنگی اشاره دارند. در ابتدای خطبه ۱۶۴ که شرح آن در بخش هارمونی رنگهای مشابه ذکر شده است، رنگهایی را در بال پرندگان بیان می‌کنند که به صورت تک‌رنگ و خالص، بدون ترکیب با هیچ رنگ سایه-ای خلق شده است در حالی که برخی پرندگان رنگهای ترکیبی دارند. در همین خطبه، درخشندگی رنگها و خلوص رنگی به صورت هم‌نشن با سایر رنگها و یا به صورت انحصاری بازگو می‌شود. «کمتر رنگی است که نمونه آن در این حیوان به کار گرفته نشده، و به خاطر صیقلی و برآقی زیاد و درخشش و حسنش آن رنگ را بهتر جلوه داده» (خطبه/۱۶۴) و یا در جای دیگر این فراز «گویا چادری سیاه به خود پیچیده، و از برآقی گمان می‌رود که رنگ سبز خوش‌نمایی با آن درآمیخته است» در اینجا واژه «خوش‌نما» در ترجمه حسین انصاریان و «جلوه خاص» در ترجمه محمد دشتی ذکر شده است که هر دو به یک معنا نشان از ایجاد نمایی زیبا سرشار از ذوقی وافر دارد.

درخشندگی در دو جای دیگر این خطبه به طلای ناب تعبیر شده است. در رهنمودهای دیگر این تالو رنگها به آینه صاف، آفتاب باحرارت، نگین و نقره تشبیه شده است حال آنکه برای نشان دادن جنبه‌های تزئینی از واژه مرصع در همین فراز استفاده شده است. به طور کلی ۷ مرتبه در این خطبه، کلمات درخشش و یا تشبیهات درخشندگی به کار رفته است. با توجه به جلوه درخشندگی و گیرایی بصری برخی رنگها در خطبه‌های دیگری نیز از جمله ۱۸۱، ۲۲۷، ۲۳۴ تشبیهات تجسمی را می‌بینیم. درخشش رنگها در کنار ظهور پدیده‌های دیگر هستی نوعی تجلی است

ملاصدرا نوع رابطه مخلوقات با خدای متعال را در قالب نظریه تجلی و ظهور توضیح می‌دهد و همه مخلوقات را شئون و جلوه‌های خداوند متعال می‌شمارد. تجلی بروز حقایق و اوصاف عالی در ذات حق تعالی است و ذات احدیت پیش از همه تعینات است و به ذات خود موجود (رضائی، ۱۳۹۶: ۱۷۵ و ۱۷۶).

۳.۳.۳.۲ هارمونی رنگها Harmony Color

هارمونی یا هماهنگی رنگی «در اثر هنری به گونه‌ای خوشایند چشم بیننده باشد و در ذهن یا در درک بینایی او خلل ایجاد نکند» (آیت‌اللهی، ۱۳۸۱: ۱۰۷). کیفیت هماهنگی از ارتباط عناصر به وجود می‌آید. سطوح رنگها، چیدمان و سایه روشن‌ها در ایجاد این هماهنگی مؤثر است. هارمونی از رابطه جزء با کل و کل با جزء حاصل می‌شود. در خطبه

تبیین سه رویکرد به رنگ‌ها از منظر حضرت علی (ع) در نهج البلاغه ۱۷

۱ نهج البلاغه آمده است: «موجودات را پس از به وجود آمدن به مدار اوقاتشان تحویل داد و بین اشیاء گوناگون ارتباط و هماهنگی برقرار کرد، ذات هر یک را اثر و طبیعتی معین داد، و آن اثر را لازمه وجود او نمود» در اینجا رابطه جزء به کل و کل به جزء و نیاز هر یک به دیگری را در برقراری این هماهنگی به خوبی مطرح می‌کند.

یکی از ارکانی که باعث هماهنگی می‌شود نظم و انسجام است و این نظم طبیعت گواه بر زیبایی آفرینش است. در نهج البلاغه آمده است:

از عجیب ترین مرغان طاووس است که آن را در استوارترین شکل ایجاد کرد و رنگهایش را در نیکوترین مرحله نظام داد... قلم‌های بال طاووس میله‌های چنگکی است ساخته شده از نقره و آنچه از دایره‌های عجیب زرد و سبز بر بالها روییده، گردنبندهای طلای ناب و پاره‌های زبرجد است. اگر بالش را به آنچه از زمین می‌روید تشبیه کنی می‌گویی: دسته‌گلی است که از شکوفه‌های بهاران چیده شده (خطبه/۱۶۴).

در این خطبه از تشبیهات رنگی برای هارمونی و همنشینی رنگها استفاده شده است که ترکیبی از رنگ نقره‌ای، زرد و سبز و طلایی که این هماهنگی زیبا به دسته‌گلی بهاری توصیف شده است و کثرت تجلی را در عین تنوع بازگو می‌کند و در جای دیگری از این خطبه رنگارنگی را به جنبه زینتی آن مطرح می‌کند و از رنگهای درخشان و مرصع و نگین گونه یاد می‌کند که به زیبایی در کنار هم چینش یافته‌اند. به طور کلی «ارتباط ذهن آدمی با کل، مجموعه‌ای تشکیل یافته از اجزاء عینی است این همان عامل قطب درون ذاتی است که در درک زیبای طبیعی و هنری است» (جعفری، ۱۳۸۵: ۲۴۹)

در ابتدای این خطبه پیش از آنکه وصف آفرینش صورت گیرد، ذکر می‌شود که این هماهنگی گواهی بر وجود حق است که در عناصر طبیعت تجلی یافته است و نیز از صفت لطیف و صنعتگری (هنرمندی) حق سخن می‌گوید که از صفات جمال الهی است. در همانجا آمده: «پرندگان را با لطافت قدرتش و دقت صنعتش به رنگهای گوناگون درآورد». علامه جعفری در تفسیر خود از این خطبه ذکر می‌کند که

ما می‌توانیم تناسب خلقت اجزاء جانداران با یکدیگر را قسمتی از نظم عالی در عالم خلقت معرفی نماییم. نظم عالی برای این است که نظم حاکم در جانداران از جهت نشان دادن هدفداری خلقت باشد و این هدفداری می‌تواند یکی از دلایل با ارزش و محکم برای اثبات عامل فوق‌طبیعی در جهان بوده باشد (جعفری، ۱۳۹۲: ۲۵۴).

۱. هارمونی رنگهای مشابه Analogous color، تک فام Monochromatic color، تلفیقی و

بیفام

برخی رنگها شبیه به هم و از یک خانواده هستند که یکی از بهترین هارمونها سنجیده می‌شوند. «این نوع بیشتر بر کیفیت رنگی و همجواری رنگها استوار است و یک رنگمایه در جوهر آنها مشترک است» (آیت الهی، ۱۳۸۱: ۱۰۹). در هارمونی تک فام، «مجموعه رنگسایه و تهرنگ‌های یک رنگمایه بیان‌گر همان احساسی هستند که از دیدن آن رنگ‌مایه حاصل می‌شود.» (بختیاری فرد، ۱۳۸۸: ۷۰)

پرندهگان را با لطافت قدرت‌ش و دقت صنعتش به رنگهای گوناگون درآورد. برخی از آنها سراسر در یک رنگ است که رنگ دیگری با آن آمیخته نیست و دسته‌ای دیگر در رنگ دیگری فرو رفته‌اند به جز گردنشان که طوقی از غیر آن رنگ دارند (خطبه/۱۶۴).

ابتدا از هارمونی رنگهای تک فام صحبت می‌کند که رنگ دیگری در آن وجود ندارد و سایه روشنهای همان رنگ، عامل رنگ‌گذارش است و در گفتار بعدی، فرو رفتن رنگی در رنگ دیگر مطرح می‌شود که می‌تواند از رنگی به رنگ متضاد یا مکمل خود صورت بگیرد. این حالت، هماهنگی فامهای ترکیبی هر رنگ و تونالیته رنگی را ایجاد می‌کند. در مورد بیفامها که به صورت ترکیب سیاه و سفید و یا خاکستری است در خطبه-های ۱۸۱، ۱۸۹ و ۱۶۴ ذکر شده است که می‌تواند سیاهی شب و یا نور افشانی ستاره‌ها باشد. در خطبه آفرینش طاووس، در خلقت این پرنده از رنگ سیاه که به زیبایی با سفید ترکیب یافته و زیبایی باشکوهی را رقم می‌زند، یاد شده است.

۲. هارمونی رنگهای مکمل Complementary color

رنگهای مکمل، از جمله فامهایی است که اثر فیزیکی یکسانی بر چشم بیننده دارد. مانند رنگ سبز در مقابل قرمز و یا آبی در مقابل نارنجی. در نهج البلاغه نیز دو رنگ مکمل ذکر شده است در خطبه ۲۳۴ از زمرد سبز و یاقوت قرمز که دو رنگ مکمل هستند و اثر تزئینی گیرا (روشنی و درخشش خیره‌کننده) دارند صحبت به میان آمده در حالیکه جنبه تزئینی جلوه‌ای از زیبایی و حسن قلمداد شده است. در جایی دیگر در خطبه آفرینش طاووس ۱۶۴، زیباییهای بال این پرنده به صورت رنگهای قابل تغییر در برابر نور آفتاب بیان می‌شود که از رنگ سرخ به رنگ سبز زبرجدی در یک خط زمانی قرار دارد و بعد بصری پیدا می‌کند و هر رنگ بر رنگ دیگر تأثیر می‌گذارد و باعث تحریک دیگری می‌شود این گونه است که هر یک در کنار هم جلوه بارزتری دارد.

۴.۳.۳.۲ همنشینی رنگهای متضاد Contrast

تباین رنگی گویای آن است که هنگام همنشینی رنگها، بیشترین شدت رنگی حاصل می‌شود و بیننده می‌تواند تفاوت آن دو را به خوبی تشخیص دهد. این همنشینی در صورتی که سنجیده باشد هماهنگی متباین را به زیبایی شکل می‌دهد. تضاد رنگی در نهج البلاغه مربوط به رنگهای بی‌فام همچون سیاه و سفید و رنگهای مکمل همچون سبز در برابر قرمز است. در خطبه ۹۱ که به خطبه اشباح معروف است آمده است:

با قدرت خداوندی بین اشیاء متضاد هماهنگی ایجاد کرد و وسایل ارتباط آنان را فراهم ساخت و موجودات را از نظر حدود، اندازه، غرائز، شکل‌ها، قالب‌ها و هیأت‌های گوناگون تقسیم و استوار فرمود، و با حکمت و تدبیر خویش هر یکی را به سرشتی که خود خواست در آورد

و در جایی دیگر، تباین رنگی به عنوان تضاد در آفرینش طبیعی بیان می‌شود و همه این اضداد «روشنی را با تاریکی، آشکار را با نهان، خشکی را با تری، گرمی را با سردی» (خطبه/ ۲۲۸) در یک وحدت و هماهنگی که نشأت گرفته از ذات حق است وصف می‌شود. امام علی (ع) نه تنها از دانش رنگها و کیفیتهای آنها سرشار هستند بلکه روابط و تأثیرات هر یک که موجب تقویت و یا تکمیل رنگی نسبت به دیگری می‌شود را بازگو می‌کنند. این تباینهای رنگی به صورت سیاه و سفید در خطبه ۱۸۹، ۱۶۴، ۲۲۸ و به رنگ سرخ و سبز در خطبه ۱۶۴ و ۲۳۴ دیده می‌شود. تضادها در آفرینش هستی خبر از وجودی حقیقی می‌دهد «حقیقت خارجی وجود، حقیقتاً دارای تکثر عینی و خارجی است.» (سوزن چی، ۱۳۸۹: ۷۹) که گویای وحدتی برآیند جلال الهی است و همه آنچه از تضاد در هستی ذکر شده تطورات حق است که ماهیت تجسمی پیدا کرده است.

۳. نتیجه‌گیری

دنیای مملو از رنگ‌ها و جلوه‌های بصری آن پوشیده شده است. دانش رنگ زمینه‌های مختلفی را از جمله فیزیک، شیمی، فیزیولوژیک، روانشناسی، معناشناسی و ابعاد تجسمی را مطرح می‌کند. تأثیر متقابل رنگها، درک تجسمی، سازماندهی یا ترکیب‌بندی رنگی، چینی است که در انواع مختلف شکل می‌گیرد و هارمونی رنگها و نورها را در یک وحدت رنگی در عین تنوع به وجود می‌آورد. وحدتی که از برآیند تجلی مخلوقات شکل می‌گیرد. این

جلوه‌ها در فرازهای مختلف نهج البلاغه به زیبایی ذکر شده است. بدین گون موجودات عالم و مظاهر آن از جمله رنگها و جلوه‌های آنها اقتضاء فیض اقدس است. نتایج حاصله از این تحقیق نشان می‌دهد، رنگها در نهج البلاغه با سه دیدگاه از منظر حضرت علی (ع) بیان شده‌اند. رویکرد اول بر وجه نمادین رنگها اشاره دارد. این نمادها در مورد رنگ سفید، سبز و مبحث نور بیشتر دیده می‌شود. در رویکرد دوم که به رویکرد طبیعت‌گرایی اشاره دارد تأثیرات روانی رنگ بر روی بشر و نیز ارجاعات رنگ در طبیعت حیوانات، انسانها و گیاهان حتی آسمان و زمین وصف می‌شود. در دیدگاه سوم بر وجه زیبایی‌شناسی و تجسمی رنگ توجه می‌شود که فامهای رنگی، درخشندگی، شدت رنگ، هماهنگی، هارمونی و تضاد رنگها، فامهای مکمل و نیز بعد تجسمی در سایه انتقال معانی بازگو می‌گردد. به طور کلی رنگ سبز و سفید بیشترین و زرد کمترین تعداد در نهج البلاغه آمده است در حالیکه مبحث نور بیشترین خطبه‌ها را شامل شده است. رنگ سفید و نور از آنجا که بیشترین تعابیر رنگی را دارد، اشاره بر وحدت در کثرت و کثرت در وحدت دارد. سفید نماد وجود و متحدکننده همه رنگهاست. سبز نیز به دلیل اشاره به جلوه روانی و گیرایی بصری در سیطره جمال الهی از پدیده‌های هستی و طبیعی بیشترین تذکرات را دارد.

امام علی (ع) در بسیاری از فرازها به ویژگیها، روابط متقابل و جنبه بصری و تزئینی رنگها نیز توجه داشته و آنها را تجلی وجود الهی و اسماء لطیفه و بیان ذوق می‌داند. در پاره‌ای از فرازها، برای ذوق و زیبایی‌شناسی با ترجمه خوش‌نما و جلوه روبرو هستیم. خطبه ۱۶۴ بیشترین جلوه بصری را بازگو می‌کند و از هارمونیه‌های مختلف، تک فام، تلفیقی و یا تضاد رنگی صحبت می‌کند. همنشینی و درخشندگی رنگها و بعد از آن تضاد بیشترین توصیف را از رنگها مطرح می‌کند. این توصیفات یکی از زیباترین متونی است که در عین فصاحت و بلاغت کلام، توصیفات تجسمی زیبایی دارد و خبر از وحدانیتی می‌دهد که ذات مطلق را نشان می‌دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در زبان فارسی هنر به معنای

تبیین سه رویکرد به رنگ‌ها از منظر حضرت علی (ع) در نهج البلاغه ۲۱

علم، معرفت، دانش، فضیلت، کمال و فراست آمده است و در جامعه مسلمان هنر فن، صنعت، پیشه در یک راستا معنی می‌شود. واژه صنعت که که امروزه تکنولوژی می‌باشد به فنون اشاره دارد که در فرهنگ اسلامی همان هنرهای تجسمی است (نقی زاده، ۱۳۸۷: ۵۹ و ۶۰)

۲.

از امیرالمؤمنین نقل می‌شود که نیکویی خط را برای ادب دانان و اربابان عقل و دانش بیاموزید. در باب مبانی نظری خط زیبا، مبانی عملی آن را نیز به حضرت علی (ع) نسبت دادند که بهترین خط کوفی را نوشت. نکته ای که وجود دارد آن است که متن خوب باید ظاهری زیبا داشته باشد تا ارزش و ماندگاری بیشتری داشته باشد. امام علی (ع) همیشه کاتبانی که خطی زیبا داشتند را در اختیار می‌گرفت و بر آن تأکید می‌فرمود (آزند، ۱۳۹۳: ۱۶).

۳. شایان ذکر است که نهج البلاغه فعلی، تمام سخنان امام علی (ع) را در برنمیگیرد و احتمال می‌رود بعد از سید رضی، فرازهای دیگری نیز یافت شده است.

۴. «وجود مانند نور، حقیقتی تشکیکی و ذومراتب است و لذا در عین وحدت، کثیر است و در عین کثرت، واحد. این نظریه را شیخ اشراق پروراند، تکمیل کرد و مبنای اعتقاد ملاصدرا گردید» (بلخاری، ۱۳۸۸: ۲۹ و ۳۰).

۵. «پس اوست که همه نشانه‌های هستی بر وجود او گواهی میدهند و دل‌های منکران را بر اقرار به وجودش وا داشته است» (خطبه/۴۹)

۶. سپاس خدای را که با مخلوقاتش بر وجود خود راهنماست و به حادث بودن موجودات بر ازلی بودنش دلیل است. (خطبه/۱۵۲)

۷. در ساخته‌های بدیعی آثار صنع و نشانه‌های حکمتش آشکار است، از این رو آنچه آفریده حجت و دلیلی بر وجود اوست و اگر موجودی بی‌زبان باشد تدبیر او در وجود آن موجود برهان گویایی بر وجود او و دلیلی محکم بر آفرینندگی ذات پاک اوست. (خطبه/۹۰)

۸. «آن‌گاه اسلام را چنان قرار داد که رشته‌اش ننگسلد، حلقه‌هایش ننگشاید..... سپیدش سیاه نگردد، قامت راستش کج نشود، چوبه‌اش نییچد» (خطبه/۱۸۹).

۹. «گروهی از فرشتگان ... چونان پرچم‌های سفیدی دل فضا را شکافته اند، و در زیر آن بادهایی است که به نرمی حرکت کرده و در مرزهای مشخصی نگاهش می‌دارد» (خطبه/۹۱)

۱۰.

این فتنه‌ها همچون شتر مهار زده‌ای به سوی شما می‌آیند که جهاز بر پشتش گذاشته شده، و ساربانان آن را می‌کشد اهل آن فتنه آزارشان بر مردم شدید، و تاراجشان اندک است. در آن زمان وای بر تو ای بصره و به زودی اهل تو به مرگ سرخ و گرسنگی شدید دچار می‌شوند (خطبه/۱۰۱)

۱۱. «رنگ در جهان محسوس، همنشین بی بدیل نور است و صورت متکثر نور واحد است بدین ترتیب، رنگ با تجزیه نور شکل گرفته و نمادین ترین تجلی کثرت در وحدت را نمودار می‌سازد» (بلخاری قهی، ۱۳۸۸: ۳۸۴).
۱۲. در فلسفه اسلامی «ماهیت زیبایی دربارۀ خداوند مطرح می‌شود. واجب الوجود دارای زیبایی محض و حسن محض است. به گفته ملاصدرا: هر زیبایی و کمال، پرتوی از زیبایی و کمال خداوند دارد» (مهری، ۱۳۹۶: ۶۳ و ۶۴)

کتاب‌نامه

- آزند. یعقوب. (۱۳۹۳). *هفت اصل تزئینی هنر ایران*. چاپ اول. تهران: پیکره
- آیت‌اللهی. حبیب‌ا... (۱۳۸۱). *مبانی رنگ و کاربرد آن*. چاپ اول. تهران: سمت
- ایتن. یوهانس. (۱۳۶۷). *کتاب رنگ*. ترجمه محمد حسین حلیمی چاپ دوم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- انصاری. سکینه. (۱۳۹۴). *نور و رنگ در عرفان اسلامی تا سده نهم*. چاپ سوم. تهران: همداد
- بورکهارت. تیتوس. (۱۳۹۲). *هنر اسلامی، زبان و بیان*. ترجمه مسعود رجب نیا چاپ دوم. تهران: سروش
- بلخاری قهی. حسن. (۱۳۸۸). *مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی*. چاپ اول. تهران: سوره هنر
- بلخاری قهی. حسن. (۱۳۸۴). *حکمت، هنر و زیبایی*. چاپ اول. تهران: فرهنگ اسلامی
- بختیاری فرد. حمید رضا. (۱۳۸۸). *رنگ و ارتباطات*. چاپ اول. تهران: فخرآکیا
- پاکباز. رویین. (۱۳۸۱). *دایره المعارف هنر*. چاپ سوم. تهران: فرهنگ معاصر
- تاجدینی. علی. (۱۳۹۴). *نمادها و نشانه‌ها در نهج البلاغه*. چاپ اول. تهران: مدرسه جعفری. محمدتقی. (۱۳۹۲). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*. چاپ دوم. تهران: آستان قدس رضوی و نشر آثار علامه جعفری
- دشتی. محمد. (۱۳۷۹). *ترجمه نهج البلاغه*. چاپ پنجم. قم: مشرقین
- ریاضی. محمد رضا. (۱۳۷۵). *فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران*. چاپ اول. تهران: دانشگاه الزهرا
- رضایی. مرتضی. (۱۳۹۶). *بررسی و نقد حقیقت آفرینش از دیدگاه ملاصدرا*. چاپ اول. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمت...)
- سوزن چی. حسین. (۱۳۸۹). *وحدت وجود در حکمت متعالیه*. چاپ اول. تهران: دانشگاه امام صادق(ع)
- ضیاء نور. فضل‌ا... (۱۳۶۹). *وحدت وجود*. چاپ اول. تهران: زوار
- طلائی مینائی. اصغر. (۱۳۸۳). *عرفان، زیبایی شناسی و شعور کیهانی*. ترجمه سید رضا افتخاری چاپ اول. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا

تبیین سه رویکرد به رنگ‌ها از منظر حضرت علی (ع) در نهج البلاغه ۳۳

- عشاقی. حسین. (۱۳۹۴). کثرت یا وحدت وجود. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه
- قلی پور گیلانی. مسلم. (۱۳۷۸). کوثر کلام. چاپ دوم. تهران: ایتا
- کرین. هانری. (۱۳۸۷). انسان نورانی در تصوف ایرانی. ترجمه فرامرز جواهری نیا. چاپ دوم. تهران: جامی
- نقی زاده. محمد. (۱۳۸۷). مبانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی. چاپ دوم. تهران: فرهنگ اسلامی
- مهری. غلامرضا. (۱۳۹۶). زیبایی شناسی اسلامی و هنر. چاپ اول. تهران: پرناک



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی